

ادامه از صفحه اول

یک پاپ، یک نمبر و جایی که کردها هستند

گفتیم اگر قرار باشد از دید مقامات امنیتی و سیاسی چهار کشور به این موضوع نگاه کنیم، نقشه نشان‌دهنده خواسته و هدفی است که قابل تحمل نیست و حساسیت و واکنش تند به دنبال می‌آورد؛ اما پیش‌شناس این است: آیا صرفا باید از این دریچه به مسئله نگرِیست و این نقشه هیچ معنا و مفهوم دیگری ندارد؟ پاسخ من، چنین است: بخواهیم یا نخواهیم، این گستره جغرافیایی با غالب‌بودن جمعیتی کردها، از دیرباز در بین چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه، وجود داشته و دارد. کردستان فرهنگی و جغرافیایی، سرزمین و دیرازی است که کردها در آن زندگی می‌کنند و برای زیستن و بقا در این جغرافیای نه‌چندان غنی و ثروتمند و همواره در معرض تهدید و یورش، هزینه‌ها و تاوان‌های سنگینی پرداخته‌اند. گاه شریک و صاحب‌منصب حکومت‌های محلی و خاندان‌ها بودند، گاه سرباز و دیوان‌دار و سردار امپراتوری‌ها. گروهی در شهرها بوده‌اند و کسانی دیگر، گاه در ساه‌چادرهای موسوم به دَوار زیسته‌اند و گاه در روستا، اما هرچه هست این دیار، جا و مکانی برای زیستن کردها و اقوام همراه و هم‌نشین آنهاست و هیچ‌گاه در هیچ‌جای این تاریخ و جغرافیا، نمی‌توان نقطه‌ای یافت که کردها، قومی دیگر را بیرون رانده باشند یا منکر وجود دیگری باشند، به هر قومی دختر داده و از هر قومی دختر گرفته‌اند، ترانه ساز کردند و کُندم کاشتند، خون دادند و خمیه را در هجوم باد، نگه داشتند. اگر نام این قوم، مثلا به جای کُرد، انار می‌بود و دیار آنها را نیز انارستان می‌نامیدند، باز هم چیزی تغییر نمی‌کرد. باز هم در هر حال، این جغرافیا، اشتراکی داشت به نام قومیت و زبان و فرهنگ مشترک که شاید باید پوزش طلیبد از اینکه قدمت این چیزها، بیش از ۵۰ برابر قدمت مفاهیمی چون دولت ملی است! برای دوستان و کارشناسان و خوانندگانِ که احتمالا شناخت چندانی از قوم کرد ندارند، این را عرض کنم که بین لجه‌های متعدد زبان کُردی و تیره‌ها و طوایف و عشایر، تفاوت‌های بسیار جدی وجود دارد؛ برای مثال یک کُرد کلهر اهل گوهواره و ماهیدشت کرمانشاه، با کُرد رازای درسیم در ترکیه، تفاوت زبانی بسیار مشهودی دارد، کُردی ارلامتی و کُروسی بسیار متفاوت است با کُردی کورمانجی و با کُردی سورانی و اورامی نیز تفاوت‌های بسیار محسوس دارند؛ اما بخواهیم یا نه، همه این آدم‌هایی که هیچ‌کدام‌شان از دایره شمول آیه سیزدهم سوره مبارکه حجرات، خارج نیستند، همگی خود را «کُرد» می‌دانند و از آن سوی کرانه ارس سا مُکریان و سنندج و نلات و باباجانی و ایلام بدان سوی سیروان و حلبچه و سلیمانیه و دشت کرکوک و از آنجا به سوی وان و مرادین و باتمان و نصیبین تا دیرک و قاهیشلو و کوبانی و عفرین، از هرکه برسی کیستی، یحتمل خواهد گفت: کرد هستم. ابعاد جغرافیای انسانی و فرهنگی و اجتماعی این موضوع، به همین سادگی است و هرکس بخواهد از این واقعیت عینی، ابزاری برای هراساندن دیگران بسازد، باید در سیمای او و اصالت شناسنامه‌اش، به دقت بسیار نگرست. این جمعیت کُردی در این گستره جغرافیایی، توانسته و می‌تواند پل ارتباط باشد و سرچشمه تعامل، کافی است، نه در کارزار انتخابات و شعورآفرینی سخنرانی‌های میدانی، بلکه در عمل، باور و التزام داشته باشیم به هم‌زیستی مبتنی بر همدانی و حقوق برابر برای همه پندگان خداوند. در این صورت می‌توان نویسنگان کُرد هر چهار کشور را در کُرمانشاه کُرد هم آورد و بزرگ‌ترین جشنواره داستان کُردی منطقه را به راه انداخت. می‌توان نوازندگان و خوانندگان کُرد هر چهار کشور را در قاهیشلو جمع کرد و فستیوال موسیقی برگزار کرد. می‌شود تجار و کارآفرینان کُرد هر چهار کشور را در دیار بکر ترکیه از یک سقف جمع کرد و یک اتحادیه اقتصادی برای توسعه تجارت و توسعه تشکیل داد، می‌شود ماموستایان و عالمان دینی کُرد هر چهار کشور را در حلبچه جمع کرد و کنگره دینی برگزار کرد. در حوزه ورزش و طب و صنایع دستی و هر حوزه دیگری نیز می‌توان هفت‌نهار برای کردها، بلکه برای ترک و عرب و فارس‌های مناطق مختلف نیز همین کار کرد و تفاوت‌ها به هیچ کشوری ضرری نرسد، بلکه همه دولت‌های مرتبط، از چنین گردهمایی‌هایی سود ببرند.

ادامه در صفحه ۹

امیرحسین جعفری: شرایط مهم پیش‌رو برای اصلاح‌طلبان با وجود احتمال کاهش مشارکت، کاندیداتوری نظامی‌ها، ردصلاحیت و مشکلات دیگر شرایطیغرنجی را پیش پای اصلاح‌طلبان گذاشته است. از طرفی صدای ائتلاف با چهره‌هایی بدون سابقه اصلاح‌طلبی، برخلاف نظر نهاد اجماع‌ساز و احتمال کاندیداتوری مستقل برخی از شخصیت‌های اصلاح‌طلب یادآور انتخابات ۸۴ است. حال این سؤال پیش می‌آید که راه‌حل عبور از این بحران سخت برای اصلاح‌طلبان از کدام مسیر می‌گذرد؟ آیا جامعه خواهان تمکین از دسته‌بندی‌های سیاسی سابق است یا عملکرد دو جناح در قوه مجریه، جامعه را به سمت مطالبات جدید از اصلاح‌طلبان و اصولگرایان می‌برد که منجر به تحول ساختاری عظیم در آنها خواهد شد؟ به جهت بررسی‌ی احتمالات و مشکلات پیش‌روی اصلاح‌طلبان در عرصه انتخابات ریاست‌جمهوری، گفت‌وگو کردیم با محمد نعیمی‌پور، فعال سیاسی اصلاح‌طلب، نماینده مجلس ششم و عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت که مشروح آن را می‌خوانید.

۴ اصلاح‌طلبان در صورت شکست در انتخابات ۱۴۰۰ را دصلاحیت کاندیدای مطلوب‌شان چه شرایطی پیدا می‌کنند؟
من فکر می‌کنم اصلاح‌طلبان باید با درایت کسی را معرفی کنند که استصواب شورای نگهبانی نتواند منجر به ردصلاحیت وی شود و اگر هم آیحانا چنین اتفاقی افتاد، باید در شرایطی باشد که همه از ردصلاحیت تعجب کنند و این اتفاق را غیرعادی بدانند، مانند ردصلاحیت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی در سال ۹۲. در این صورت، به نظر می‌رسد این حق برای اصلاح‌طلبان محفوظ می‌ماند که اعلام کنند کاندیدایی نخواهند داشت، اما همه مردم را تشویق به حضور در انتخابات کنند؛ چون افکار عمومی قانع می‌شود که با همه حسن‌نیتی که اصلاح‌طلبان نشان دادند، حاکمیت حضور مؤثر آنها و کاندیدای مدنظرشان را تحمل نکرد. در هر انتخاباتی احتمال شکست یا پیروزی وجود دارد؛ معتقدم عدم پیروزی در انتخابات ۱۴۰۰ برای اصلاح‌طلبان شکست تلقی نمی‌شود، بلکه روز پس از اعلام نتایج انتخابات، اصلاح‌طلبان راه جدید و مؤثری را باید آغاز کنند که در آن تعمیق گفت‌ماند اصلاح‌طلبی و توسعه‌سازماندهی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد و از آن به بعد با اقتضای مختلف، نخبگان و گروه‌های مرجع و مردم همکاری مؤثری به عمل آید تا منافع اقتضار، اصناف و گروه‌های اجتماعی در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و در راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های اصلاح‌طلبان لحاظ شود؛ بنابراین این باور باید شکل بگیرد که اصلاح‌طلبان با آمادگی کامل در صحنه مذاکرات ۱۴۰۲ حاضر شوند. آنچه مسلم است، اصلاحات امری ضروری است و اصلاح‌طلبی یک خواست عمومی است و تعطیل‌شدنی نیست. در نتیجه عدم پیروزی در انتخابات ۱۴۰۰ آغاز تلاش بیشتر برای اصلاحات و اصلاح‌طلبان است.

۴ آیا اصلاح‌طلبان هنوز در انتخابات بر کاریزمای آقای خاتمی تکیه می‌کنند؟
شخصیت و منش آقای خاتمی به گونه‌ای بوده که بعد از هشت سال ریاست‌جمهوری نیز در دل مردم نفوذ کلام بسیار داشته است. اینکه من گفتم رای‌نیابوردن باید آغاز یک راه جدید باشد، یکی از مؤلفه‌هایش همین است که در واقع دیگر اصلاح‌طلبان باید تصمیم بگیرند که تکیه‌گاه اصلی آنها کاریزمای آقای خاتمی نیست و تا زمانی که ایشان در عرصه سیاسی فعال هستند، کمک برای راه ورش اصلاح‌طلبان باشند و روش‌های اغنایی و روش‌های اصولی برای جلب نظر اقشار مختلف را به کار بگیرند تا بتوانند اقشار مردم را متقاعد کنند که برنامه‌های آنها مؤثرتر از سایر برنامه‌هاست.

۴ اصلاح‌طلبان می‌گویند چون دولت روحانی ائتلافی و انتخابی بین بد و بدتر است، موفق نشد. به نظر شما کاندیدای اصلاح‌طلبان چه پتانسیلی برای روحانی دارد که این جناح مدعی اصلاح وضع موجود با انتخاب کاندیدای مدنظرش است؟

اولا ائتلافی برای انتخاب آقای روحانی در ۹۲ و ۹۶ صورت نگرفت؛ در واقع با آقای روحانی مذاکراتی برای چنین کابینه‌ای از اصلاح‌طلبان صورت نگرفته که اسم آن را ائتلاف بگذاریم. اما بعد از سال ۸۸، در سال ۹۲ اصلاح‌طلبان که در فشار بسیار زیادی بودند و دوره بسیار سختی را گذرانده بودند، ادامه مسیر احمدی‌نژاد را به‌هیچ‌وجه به مصلحت کشور نمی‌دانستند و بنابراین تلاش‌شان بر این شد که یک نفر در صحنه انتخابات باقی بماند که حداقل تفکر و نظرات احمدی‌نژاد و جریانات مشابه او را نیابورند و اصلاح‌طلبان در این سیاست موفق شدند. متأسفانه نظرات استصوابی اجازه نمی‌دهد که رهبری روحانی در انتخابات موفق شود؛ در حالی که اصلاح‌طلبان باید در این زمینه توانمندتر باشند و بتوانند شرایط را برای اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ بهتر از آنچه امروز داریم، تاکنون بحثی درباره اینکه «حداقل در حزب کارگزاران و مجمع نمایندگان ادوار» باشد، مطرح کنند؛ زیرا در صورت تحقق این امر، می‌تواند به نفع اصلاح‌طلبان باشد. اما در حال حاضر، دولت روحانی نتوانسته به نفع اصلاح‌طلبان اقدام کند؛ در حالی که اصلاح‌طلبان باید در این زمینه توانمندتر باشند و بتوانند شرایط را برای اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ بهتر از آنچه امروز داریم، تاکنون بحثی درباره اینک که اصلاح‌طلبان باید در این زمینه توانمندتر باشند و بتوانند شرایط را برای اصلاح‌طلبان در انتخابات ۱۴۰۰ بهتر از آنچه امروز داریم، تاکنون بحثی درباره اینک

سیاست

گفت‌وگو با محمد نعیمی‌پور

انتخاب بین بد و بدتر را توصیه نمی‌کنم

ظریف به میدان نمی‌آید



محمد نعیمی‌پور

نداده که افراد مدنظر و مطلوب برای جریان اصلاحات و نمایندگان واقعی اصلاح‌طلب در صحنه حضور داشته باشند؛ بر این اساس من فکر می‌کنم شرایطی وجود ندارد که مخاطبان اصلاح‌طلبان از آنها بپذیرند که بین بد و بدتر انتخاب کنند و شخصا این سیاست را توصیه نمی‌کنم و نهاد اجماع‌ساز اصلاح‌طلبان باید از این گزینه صرف‌نظر کند.

۴ در صورت تأیید صلاحیت کاندیدای اصلاح‌طلب، آیا صحنه انتخابات پرشور خواهد شد یا باز هم مردم توجهی به این مسئله نمی‌کنند؟ آیا جامعه از دسته‌بندی‌های سیاسی اصلاح‌طلب و اصولگرا گذر کرده‌است؟
این شعاری که بعضی‌ها درست کردند و عده‌ای نیز این شعار را دست به دست کردند که اصلاح‌طلب و اصولگرا دیگر کارکردی ندارند، یک بازی بود. البته کسانی که با جمهوری اسلامی سر ستیز دارند، خیلی از این موضوع خشنود شدند. من فکر می‌کنم جمهوری اسلامی آلت‌زاتیوی ندارد و نه‌تنها براندازان بسیار سرسخت بلکه بسیاری از کشورهای مخالف جمهوری اسلامی نیز به این جمع‌بندی رسیدند که چشم‌پوشی از جمهوری اسلامی به‌سادگی امکان‌پذیر نیست پس تا اطلاع ثانوی مردم از گروه‌های درون نظام استقبال و در انتخابات شرکت می‌کنند. همین الان که هنوز بحث انتخابات گرم نشده و هنوز موضوع اصلی مردم نیست، چیزی در حدود ۴۰ درصد اعلام‌طلبان برای انتخابات در نظرسنجی‌ها کرده‌اند. بنابراین من فکر می‌کنم که ۵۰ درصد در انتخابات شرکت خواهند کرد. البته هرچه حاکمیت سع‌عصرد بیشتری نشان دهد و نگذارد شورای نگهبان در تأیید کاندیدها سختگیری نکند، گروه‌های بیشتری از مردم کاندیدای مطلوب خودشان را در صحنه می‌بینند و حضور بیشتری خواهند داشت. اگر حکومت واقعا دنبال این است که انتخابات پرشورتر باشد و خصوصا در شرایطی که به هر حال مذاکرات می‌توانند شروع شود و مجددا برجام برقرار شود و آمریکایی‌ها نیز از آن اشتباه خود برگردند، نیاز است جمعیت بیشتری در انتخابات شرکت کنند. امیدوارم انتخابات بیش از ۵۰ درصد مشارکت را تجربه کند.

۴ رفتارهای برجامی ی‌ایند می‌تواند تأثیری بر انتخابات ۱۴۰۰، به‌خصوص به نفع اصلاح‌طلبان داشته باشد؟
وقتی کسی‌پیشنی در فضای سیاسی کشور ایجاد شود و خصوصا چشم‌اندازهای روشنی در روابط بین‌الملل و در رابطه با ایران با اروپا و آمریکا پدیدار شود، مردم احساس بسیار بهتری دارند و انتخابات جدی‌تر گرفته می‌شود؛ اما این را که این اتفاق به نفع اصلاح‌طلبان خواهد بود یا خیر، به طور قطعی نمی‌توانم بگویم. به‌هرحال، بهبود روابط بین‌المللی یقینا به نفع جمهوری اسلامی خواهد بود و انتخابات را تحت تأثیر قرار خواهد داد. **۴ اصلاح‌طلبان بر معرفی کاندیدای نامسا اصلاح‌طلب تأکید دارند، درحالی‌که صداهایی مبنی بر احتمال ائتلاف با لاریجانی شنیده می‌شود. چقدر این احتمال وجود دارد؟ اساسا ائتلاف به نظر شما در سیاست امر صحیحی است یا نازل‌شدن از باورهای اصلاح‌طلبی است؟**
الان زمانی است که هر کسی اظهارنظر خودش را می‌کند. به نظر من، در مورد اصلاح‌طلبان نهاد اجماع‌ساز تشکیل شده و اکثریت در خور توجهی از احزاب و شخصیت‌های اصلاح‌طلب ذیل این نهاد قبول کرده‌اند که تصمیم‌گیری شود. بنابراین الان حرف‌هایی که زده می‌شود، اظهارنظرها و تحلیل‌هایی است که حتی تحلیل‌های حزبی محسوب نمی‌شود، بلکه اظهارنظر شخصیت‌های سیاسی است و قابلیت این را ندارد که بگوییم نظر تمام اصلاح‌طلبان است. البته عده‌ای بر این باورند که گزینه‌ای مانند لاریجانی می‌تواند مناسب‌تر باشد، اما من معتقدم اگر کسی از طرف اصلاح‌طلبیان بخواهد به مردم معرفی شود، باید که سوابق اصلاح‌طلبی روشنی داشته باشد؛ در عین حال باید شخصیتی باشد که حساسیت و نگرانی در حاکمیت ایجاد نکند.

علی‌محمد نمازی: محسن هاشمی نامزد نهایی کارگزاران است

در گفت‌وگو با «خبرآنلاین» این‌گونه بیان کرده بود: «بیزی که درحال‌حاضر فراوان است الحمدلله کاندیدا است؛ بنابراین کاندیدا کم نداریم بلکه نفر زیاد است؛ آن‌طورکه بنده در دهم منظم کرده‌ام، ابتدا آقای ظریف است که الان بیشتر مطرح است، بعد آقای زنگنه، آقای جهانگیری و آقای بی‌طرف را هم بعضی از دوستان پیشنهاد می‌کنند. آقای محسن هاشمی، دکتر همتی هم ممکن است جزء کسانی باشند که مطرح می‌شود، آقای اردکانیان نیز ممکن است مطرح شود، آقای صادق خرازی و آقای عارف هم خودشان اعلام کرده‌اند». محمد عطریانفر هم در گفت‌وگو با «ایرنا» به نوعی جهانگیری

۴ سعید محمد اعلام کاندیداتوری کرده است، تحلیل شما از این اتفاق چیست؟
شخصا مخالف قرارگرفتن نظامی‌ها در رأس قوه مجریه هستم. با اینکه آقای سعید محمد فرد اجرایی و توانمندی در این زمینه است، ایشان از سیاست و کشورداری اطلاع چندانی ندارد و احتمال برنده‌شدن ایشان نیز وقتی افزایش پیدا می‌کند که نیروهای نظامی حمایت صددرصدی از ایشان کنند و کاندیدای دیگری را مدنظر قرار ندهند و در این زمینه هنوز اختلاف نظر وجود دارد. با تعبیر اینکه ایشان جوان انقلابی است و تمسک به برخی نقطه‌نظرات رهبری، ممکن است اصولگرایان بر سر ایشان حتی با اِکراه اجماع کنند و بتوانند به طور هماهنگ وارد صحنه انتخابات شوند. ولی معتقدم برای نظام و کشور حضور نظامیان در رأس قوه مجریه نقطه ضعف است و شاید مفهوم این باشد که اداره‌کردن کشور بدون حضور نظامیان مشکل شده و راه‌حل دیگری وجود ندارد. به‌هرحال آقای محمد شخصیت قابل احترامی هستند، اما برای ریاست‌جمهوری به اعتقاد من مناسب نیستند و احتمال اینکه اصلاح‌طلبان از ایشان حمایت کنند، بسیار ضعیف است.

۴ اصلاح‌طلبان در صورت شکست باید به جامعه برگردند یا دوباره برای قدرت تلاش و ائتلاف کنند؟ جامعه و به‌خصوص کارگران از آنها استقبال خواهند کرد یا اصلاح‌طلبان را بخشی از مشکلات فعلی تحلیل می‌کنند؟
آنچه در لفظ به‌عنوان بازگشت به جامعه مدنی گفته می‌شود و باید کار را در جامعه مدنی دنبال کرد، عمقی ندارد. خیلی از نیروها امور خیر و خیریه‌ها را در رسیدگی به محرومان استنباط می‌کنند؛ درحالی‌که مقصود از جامعه مدنی و حضور در جامعه مدنی این است که بتوانند نیروهای اجتماعی مختلف را سازماندهی کنند و در این سازماندهی بتوانند از طرف اقشار مختلف نمایندگی پیدا کنند. به‌هرحال مسائل کاری را به اعتصابات اخیر که شروع نمی‌شود. کارگران سراسر کشور باید سازمان پیدا کنند و بتوانند منافع خودشان را از طریق نمایندگانی که می‌پذیرند، در درون حاکمیت دنبال کنند. این منافع لزوما سیاسی نیست، بلکه مبتنی بر منافع صنفی و اجتماعی آنهاست. به غلط این فضا را سیاسی می‌کنند و تلاش می‌شود از این‌گونه اعتراض‌ها علیه دولت و حکومت استفاده شود؛ درصورتی‌که مسائل کارگران بسیار متفاوت است، ازجمله دستمز، نظارت بیشتر بر کارفرمایان، تعامل صحیح بین کارگر و کارفرما، مسائل رفاهی، معیشتی و… و اگر قرار است اصلاح‌طلبان درون جامعه برگردند، وظیفه آنها به‌عنوان سیاست‌مدار، توسعه فعالیت‌های اجتماعی در جهت سازماندهی و مشکل‌کردن اقتشار مختلف جامعه است و هر موقع اقتضای موقف شدن صدای اقتشار مختلف را بشنوند، آن موقع می‌شود گفت نیاز به شخصیت کاریزمای ندارند و لازم نیست بر موج‌های اعتراضی سوار شوند و از این طریق بر توده‌ها آدرس غلط بدهند. به نظر من با پیروزشدن یا پیروزنشدن اصلاح‌طلبان در ۱۴۰۰ عمده کار آنها باید براتباط با اقتضای مختلف جامعه باشد و به طور عمیق به مسائل اقتصادی، فرهنگی و… بپردازند. مفهوم توجه عمیق نیز بیانیه‌دادن نیست. باید راه و روش‌های منجر به عدالت را برای همه اقتضای جامعه تبیین کنند. همان‌طور که سیاستمداران باید صدای کارگران را بشنوند، باید صدای کارفرمایان را نیز بشنوند و بتوانند سیاست‌هایی را طراحی کنند که برآیند آنها، وضعیت امیدبخش و بهبود وضعیت مردم باشد. اگر از ۱۴۰۰ تا دوره انتخابات بعدی اصلاح‌طلبان موفق شوند بخشی از این آرزوها که توانمندکردن جامعه است، محقق کنند، آن موقع می‌شود گفت اصلاح‌طلبی در جهت پیشبرد آرمان‌ها و برنامه‌ها موفق شود.

۴ گزینه‌های مورد بررسی حزب اتحاد ملت تا به حال چه کسانی بوده‌اند؟

من در این خصوص نمی‌توانم صحبت کنم و مناسب‌تر است با خانم آذر منصوری دراین‌باره صحبت شود.

۴ کاندیداتوری عارف به صورت مستقل یا عدم تبعیت احزاب از نهاد اجماع‌ساز منجر به تجربه ۸۴ می‌شود؟ چقدر کاندیداتوری عارف وظریف را محتمل می‌دانید؟

هر کسی بخواهد شخصی و بدون جلب نظر اصلاح‌طلبان وارد انتخابات شود، مختار است؛ اما نباید انتظار این را که اصلاح‌طلبان از او حمایت کنند، داشته باشد. به‌هرحال آقای عارف مختار هستند که مستقل یا با حمایت اصلاح‌طلبان وارد صحنه شوند. تا آنجایی که من اطلاع دارم، آقای ظریف موافق حضور در انتخابات نیستند. سیاست قابل پیش‌بینی نیست، منتها من فکر می‌کنم آقای ظریف به صحنه نخواهند آمد و آقای عارف هم بدون اصلاح‌طلبان موفقیتی کسب نخواهند کرد.

سال هجدهم • شماره ۳۹۶۴ • روزانه شرف

بازتاب

پاسخ روابط عمومی مجلس به گزارش روزنامه «شرق» سفرهای دکتر قالیباف در راستای عملکرد نظارتی مجلس است

● در پی انتشار گزارشی با روایتی و تیتیر «حضور رضایی و قالیباف در سفرهای استانی/ رقابت انتخاباتی فرماندهان» در صفحات ۱ و ۲ شماره ۳۹۶۱ مورخ ۲۳ جاسد ۱۳۹۹ در روزنامه «شرق»، روابط‌عمومی مجلس جوابیه‌ای به روزنامه فرستادند که متن کامل آن منتشر می‌شود؛ در گزارش روز شنبه روزنامه شرق نویسنده ادعا کرده که چون «هر استان نماینده یا نمایندگان خودش را انتخاب می‌کند» پس «قاعدتا رسیدگی به مسائل استان مربوط به وظیفه آن نماینده است». انتشار چنین مطلب خلاف واقعی در یک روزنامه رسمی کشور که مخاطبان را دچار اشتباه می‌کند، اقدام شایسته‌ای نیست. لازم است یادآور شویم که براساس موارد مطرح در قانون اساسی، اختیارات و وظایف مجلس شورای اسلامی مبتنی بر دو رکن اساسی قانون‌گذاری و نظارت است و نمایندگان نیز بر همین اساس نماینده آحاد ملت هستند. همچنین در اصل ۸۴ تصریح شده که «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است…» لذا سفرهای رئیس مجلس برای نظارت میدانی منطبق بر قانون اساسی کشور است.

از سوی دیگر در مطلب فوق‌الذکر نویسنده روزنامه شرق مدعی شده که «رئیس مجلس هم رئیس داخلی نهاد پارلمان است، نه رئیس نمایندگان با اختیاراتی فراتر». در همین راستا لازم است این مطلب به اطلاع برسد که اگرچه تمامی نمایندگان از حقوقی یکسان برخوردار هستند اما طبق مواد ۲۰ آیین‌نامه داخلی مجلس، رئیس مجلس دارای وظایف و اختیارات فراتری است. گذشته از این، سفر رئیس مجلس به استان‌های مختلف و دعوت مجمع نمایندگان استان امری پذیرفته‌شده و سنتی قدیمی است. علاوه‌براین مجددا لازم به ذکر است که سفرهای جناب آقای قالیباف رئیس مجلس به استان‌های مختلف کشور در راستای ایفای وظیفه نمایندگی ایشان به‌عنوان نماینده‌ای مسئول در برابر تمامی آحاد ملت است. نکته سوم اینکه تشدید نظارت‌های مجلس و نمایندگان بر دولت، امری واجب و مورد مطالبه عمومی مردم است که براساس شعارهای مطرح‌شده از سوی اکثریت نمایندگان شکل گرفته است. تجربه فعالیت ۹ ماه گذشته مجلس نیز نشان می‌دهد که نمایندگان در تلاش هستند تا با وضع قوانین پیشرو و همه‌چنین استفاده از ابزارهای نظارتی خود، دولت را وادار به کارکردن نمایند؛ کمااینکه در اجرای قانون حمایت معیشتی از مردم، قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و همچنین اعمال برخی اصلاحات ساختاری در لایحه بودجه موفقیت‌هایی به دست آمده و دولت وادار به حرکت شده است. شایسته است روزنامه شرق به‌عنوان یکی از حامیان اصلی روی کارآمدن مجدد دولت آقای حسن روحانی، از تلاش‌های نمایندگان مجلس برای وادارکردن دولت به کار، حمایت کرده و به جای تخریب ابعاد نظارتی مجلس، در راستای خواسته‌های اکثریت مردم قدم بردارد.

خبر

استحاق جهانگیری:

سردار سلیمانی در فروش نفت به دولت کمک می‌کرد

● شرق: شنبه هفته پیش، معاون اول رئیس‌جمهور به یزد سفر کرد و در آنجا فرصتی پیش آمد تا اسحاق جهانگیری از مدعیانی بگوید که در حضور مقام معظم رهبری ادعا کردند روزی دو میلیون بشکه نفت می‌فروشند؛ اما حتی یک بشکه نیز نتوانستند بفروشند. جهانگیری این هفته نیز با خبرگزاری ایرنا گفت‌وگو کرده و با اشاره دوباره به این مدعیان از شهید قاسم سلیمانی نام برده که چگونه بر این ادعاها تاخته و تنها کسی بود که توانست در مقیاس به دولت کمک کند. معاون اول رئیس‌جمهور به ستاد مقابله با تحریم که خود مسئولیت آن را برعهده دارد، اشاره کرده و گفته: «در این ستاد سیاست‌گذاری می‌شود که چگونه تحریم‌ها دور زده شود. ریسک‌هایی را هم مسئولان می‌پذیرند. به هر حال کسی که می‌خواهد با این شرایط نفت بفروشد، ریسک دارد. اینکه چگونه بفروش، روی کشتی برجم دیگری نصب کند و با برجم دیگر این کار را انجام دهد». جهانگیری همچنین گفته: «خیلی‌ها مدعی بودند ما می‌توانیم نفت صادر کنیم؛ اما دولت نمی‌خواهد این کار را به دست آنها بدهد و مخصوصا خیلی نیش‌دار هم گفته می‌شد که دولت نمی‌خواهد و من مانده بودم که اینجا چگونه آدم‌های ملی‌ای هستند که این‌گونه به کسانی که همه زندگی‌شان را وقف این نظام و انقلاب کرده‌اند، تهمت می‌زنند». او ادامه داد: «هرکدام مدعی شدند ما با آقای زنگنه توافق کردیم تا به آنها مجوز بدهیم. زمانی وزیر نفت محاسبه کرد که اگر قرار بود آنها صادرات داشته باشند، روزی هشت میلیون بشکه مجوز داده شده بود. همه دست‌شان بالا رفت و هیچ‌کس نتوانست حتی یک بشکه نفت بفروشد». معاون اول رئیس‌جمهوری در اینجا به رفیق و هوشمیری خود سردار سلیمانی اشاره می‌کند: «تنها کسی که توانست در مقطعی به ما کمک بکند، سردار سلیمانی بود.

ادامه در صفحه ۳

www.sharghdaily.ir

موضوع مناقصه	دوره تضمین	میزان تضمین فرایند ارجاع کار(به ریال)
خرید کاغذ A۴	۳ ماه	۷۵۰/۰۰۰/۰۰۰

در خصوص تضمین فرآیند ارجاع کار(تضمین شرکت در مناقصه) به موجب بند الف و ب ماده ۴ آیین نامه تضمین معاملات دولتی صرفا ضمانت نامه معتبر بانکی و یا سپرده به صورت واریز نقدی مورد پذیرش خواهد بود .

اداره کل امور مالیاتی استان البرز



اداره کل امور مالیاتی استان البرز

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
منظور به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۰۹/۱۰ و برابر رای شماره ۱۰۶۴۰-۳۱۰-۱۹۰۶۴۰ مورخ ۱۳۹۹/۱۱/۰۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف موضوع ماده یک قانون مستقر در واحد ثبتی فریدونکنار تصرفات مالکانه و بلامعارض متقاضی خانم طاهره بابکی فرزند شعیبان نسبت به شناسدگ یک قطعه زمین با بنای احداثی به مساحت ۱۰۵۸۷ متر مربع به شماره پلاک ۲۳۳۳ فرعی از ۶۶ اصلی واقع در فریدونکنار بخش ۲ خریداری از بنیاد مستضعفان انقلاب اسلامی مالک رسمی مجوز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۲ این نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه و محلی اکتبرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به رای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دوماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید طرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موقوف به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل را ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه منظر به دادگاه نیست م الف ۴۹۲-۱۹۹۱
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۹/۱۲/۱۲
تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۳۹۹/۱۲/۲۶
مرتضی خواجوی رئیس ثبت اسناد و املاک فریدونکنار